

دیدن امدادگران در آن ساعت شب برای این دو نفر قابل باور نبود. «به نظر می‌رسید هر دو نفر از امداد ناامید شده بودند. خانم گرفتار در قله از شدت سرما به خودش می‌لرزید و دچار افت فشار خون شده بود. با دیدن او در این حال کاپشنم را درآوردم و او تنش کرد. گرچه تابستان بود، اما هوا در آن نقطه به حدی سرد بود که صدای خوردن دندان‌هایم را به هم می‌شنیدم. با کمک ما هر دو نفر صحیح و سالم به پایین قله منتقل شدند. این دو نفر حساسیت این مأموریت را زمانی متوجه شدند که هفته بعدش همین اتفاق برای دو نفر دیگر در همین نقطه رخ داد و چون موقعیت‌شان را اطلاع نداده بودند، وقتی این خبر در رسانه‌ها منعکس شد، این خانم و آقا با ما تماس گرفتند و گفتند جان‌شان را مدیون امدادگران هلال احمر هستند.»

به فتنه جان‌بزرگی، زنی که در حادثه دوم به خاطر کمک‌نگرفتن از جمعیت هلال احمر از تیغه کول جنو سقوط کرده و جان باخته بود، سی‌ویک ساله و اهل اهواز بود.

«ساعت چهار عصر هفدهم مرداد ماه ۲ سال پیش، در پی سقوط یک کوهنورد از قله کول جنو در ارتفاعات اشترانکوه، جمعیت هلال احمر ازنا چهار تیم امدادونجات کوهستان خود را به محل حادثه اعزام کرد. این کوهنورد که زنی سی‌ویک ساله و اهل اهواز بود در حین صعود به قله از روی تیغه‌های کول جنو سقوط کرده و جان خود را از دست داده بود. پس از اعزام تیم‌های امدادونجات کوهستان هلال احمر ازنا به منطقه و با توجه به تاریخ بودن هوا، پس از شناسایی محل دقیق پیکر این کوهنورد، عملیات رهاسازی پیکر او به این علت که روی تیغه‌ها افتاده بود تا روشن شدن هوا متوقف شد. بلافاصله پس از روشن شدن هوا، تیم کوهستان هلال احمر ازنا پس از دسترسی مجدد به پیکر بی‌جان این کوهنورد و زدن کارگاه‌های فنی با تلاش بسیار عملیات انتقال به پایین دیواره‌ها و رساندن او به محیطی امن را انجام دادند؛ اما همچنان امکان انتقال این پیکر با بالگرد وجود نداشت. برای همین با اضافه شدن امدادگران جدید و با همکاری هیأت کوهنوردی ازنا در نهایت با زدن بیش از ۶۰ کارگاه پیکر این کوهنورد به روستای کمندان منتقل شد و پس از گذشت ۳۰ ساعت، این عملیات نفسگیر به پایان رسید.»

کول جنو به عنوان یکی از خطرناک‌ترین نقاط کوهستانی ایران همچنان محل وقوع حوادث بسیاری برای کوهنوردان است و امدادگرانی چون جان‌بزرگی فریادرس آنها هستند. «دوازدهم فروردین امسال پسر جوانی با ما تماس گرفت و برای صعود به کول جنو راهنمایی خواست. با اعلام هشدارهای لازم سعی کردم آنها را از صعود در آن ساعت شب منصرف کنم. در ظاهر با هشدارهای ما موافق بودند و گفتند که شب را استراحت می‌کنند و با روشن شدن هوا به صعود ادامه می‌دهند؛ اما ساعت چهارونیم صبح تلفنم دوباره زنگ خورد. آن سوی خط صدای لرزان و ملتسانه همان جوان را شنیدم که می‌گفت برف گرفتارشان کرده و دوستش دچار سرمازدگی شده و جان‌ش در خطر است. همان لحظه تیم‌های امدادی را خبر کردم. تلاش مان برای هماهنگی با بالگرد راه به جایی نبرد، این بار هم به ناچار مسیر را به صورت پیاده طی کردیم و به این دو نفر رسیدیم. یکی از آنها به شدت دچار سرمازدگی شده بود و اگر سریع به آنها نمی‌رسیدیم، محال بود زنده بمانند.»



گفت‌وگو با امدادگر لرستانی؛ از مأموریت در کوهستان تا همراهی با مردم سیل‌زده

## جان بخشی در خانه جن‌ها!

●●●  
کول جنو به عنوان یکی از خطرناک‌ترین نقاط کوهستانی ایران همچنان محل وقوع حوادث بسیاری برای کوهنوردان است و امدادگرانی چون جان‌بزرگی فریادرس آنها هستند

●●●  
نجات یک زن و مرد روی تیغه کول جنو یکی دیگر از مأموریت‌هایی است که جان‌بزرگی به همراه دوستانش در آن حضور داشته است. «ساعت ۶ غروب بود که طی تماس یک زن و مرد تیم امدادی ما برای نجات آنها عازم کول جنو شد. ساعت اعلام نیاز برای کمک وقتی بود که استفاده از امداد هوایی برای سریع‌رسیدن به آنها ممکن نبود. برای همین باید با پای پیاده مسافت طولانی را برای رسیدن به آنها طی می‌کردیم، آن هم با کوله‌های سنگینی که همراه مان بود. با توجه به حساسیت مأموریت، راه هشت ساعتی را چهار ساعته طی کردیم تا به این دو نفر روی تیغه قله رسیدیم. ساعت ۹ شب بود و وقتی رسیدیم هوا کاملاً تاریک شده بود. با نور هدایت‌های آنها موفق شدیم محل دقیق ایستادن‌شان را پیدا کنیم.»

### همراهی در سیلاب جهنمی پلدختر

این مأموریت پشتیبانی منطقه را عهده‌دار بودند و وسایل و امکانات رفاهی به مردم می‌رساندند. درست است بخش عمده‌ای از وظایف و مأموریت‌های ما در نجات جان انسان‌ها خلاصه می‌شود، اما نجات همیشه به معنای نجات تن آنها نیست و در برخی از شرایط نجات روح و روان بلادیدگان و آرام‌کردن آنها مهم‌ترین مأموریت ماست. در سیلاب پلدختر هم وضعیت همین بود. تمام مردم شهر مستأصل و درمانده بودند و دلجویی و همدردی با آنها در کنار آرام‌کردن شرایط، تنها وظیفه آن روزهای ما بود.»

مأموریت‌های امدادی ما بود. با تلاش امدادگران حاضر در منطقه اولین قربانی بهمن خیلی زود در ارتفاعات پیدا شد. اوزیر برف نبود. با کمک امدادگران پیکرش به پایین کوه منتقل شد.»  
آن طور که جان‌بزرگی می‌گوید، امدادگران برای پیدا کردن باقی اجساد سختی‌های زیادی متحمل شدند. «روز اول کار خیلی خوب پیش نرفت، اما در روز دوم موفق به پیدا کردن پیکر ۸ نفر از کوهنوردان شدیم. امدادگران برای پیدا کردن این پیکرها، در دل کوه بیل می‌زدند و عرق می‌ریختند. خدا رحم کرد که قبل از وخیم شدن شرایط آب‌وهوایی منطقه توانستیم این ۸ نفر را از زیر خروارها برف پیدا کنیم؛ اما هنوز یکی از پیکرها پیدا نشده بود. با هشدارهای هواشناسی مبنی بر سرد شدن هوا و بارش برف تصمیم گرفتیم ۸ پیکر پیدا شده را به مشهد منتقل کنیم. امدادگرها هنوز در فکر یک پیکر باقیمانده بودند. در سرمای شدید و سوز کوهستان همه دست به دست هم دادند و پیکر باقیمانده را هم پیدا کردند. بعد از پیدا کردن این پیکر، هوا به هم ریخت و بارش‌ها شروع شد.»

### نجات روی تیغه کول جنو

کول جنو همواره شاهد وقوع حوادث بسیاری برای کوهنوردان بوده است؛ به خصوص افرادی که بدون تجهیزات به صعود اقدام می‌کنند.

قله راهی می‌شوند. در میان راه با نامساعد شدن وضعیت آب‌وهوا ۵ نفر از این کوهنوردان از ادامه راه پشیمان می‌شوند. اما ۸ نفر باقیمانده به همراه راهنما به راه خود ادامه می‌دهند. چند ساعت بعد هوا به شدت سرد می‌شود و کوهنوردان مشغول گرفتار و البته قربانی بهمنی سرازیر شده از کوه می‌شوند. بعد هم همراهان باقیمانده آنها ماجرا را به هلال احمر استان اطلاع می‌دهند.»

شبی که این حادثه رخ داد، علی همراه خانواده‌اش در تهران بود. «صبح که از خواب بیدار شدم با چند تماس از دست‌رفته پدرم در نیمه‌های شب روبه‌رو شدم، سریع با او تماس گرفتم اما در دسترس نبود. حدس زدم به مأموریت رفته‌اند. طی تماس با دوستان ازنا یکی در جریان حادثه بهمین قرار گرفتم و تا ساعت ۸ صبح خودم را به ازنا رسانده و در مأموریت شرکت کردم. هوا به شدت سرد بود. به خاطر تعداد زیاد قربانیان، این مأموریت یکی از سخت‌ترین

علی جان‌بزرگی اهل ازناست، بیست‌وننه ساله و باانگیزه است. زندگی در منطقه کوهستانی استان لرستان و همنشینی با پدری کوهنورد از او کوهنوردی حرفه‌ای و کارکننده ساخته است. برای همین بود که هلال احمر ازنا هنگام بروز حوادث و در عملیات‌های امدادی از او و پدرش کمک می‌گرفت. به مرور آمد و شد گاه‌وبی‌گاهش به هلال احمر موجب شده به این جمعیت علاقه مند شود تا اینکه از سال ۸۹ به صورت رسمی و به عنوان امدادگر داوطلب فعالیتش را در این نهاد امدادی شروع کرد. پشتکار فراوان داشت و در دوره‌های آموزشی جمعیت شرکت کرده به مرور به درجه اثنار در امدادگری رسید. جان‌بزرگی متأهل است و جالب اینکه همسرش هم یک هلال احمری است. در گپ‌وگفتی صمیمی این جوان نجاتگر از عملیات‌ها و خاطرات تلخ و شیرینی که برایش رقم خورده است، می‌گوید.

●●●  
حادثه آذر سال ۹۶ اشترانکوه جزو آن دسته از حوادثی است که هیچ‌گاه از خاطر کوهنوردان پاک نمی‌شود؛ مرگ ۹ نفر در یک ساعت، چیزی شبیه به حادثه وقوع بهمن در زمستان سال ۹۹ در ارتفاعات شمال تهران. «۱۴ کوهنورد مشغول تصمیم می‌گیرند در سفر به لرستان به ارتفاعات کول جنو صعود کنند. قله‌ای در شرقی‌ترین قله خط‌الرأس اشترانکوه که در میان کوهنوردان حرفه‌ای، به فنی‌ترین قله زاگرس مشهور است. بومی‌های منطقه نامش را کول جنو به معنی خانه جن‌ها گذاشته‌اند. علتش هم بهمن‌های شدیدی بوده که در قدیم از این کوه باصداهای هولناک سرازیر می‌شده و مردم را به وحشت می‌انداخته است. خلاصه اینکه آذر سال ۹۶، ۱۴ کوهنورد مشغول با راهنمایی یکی از بومی‌های منطقه برای صعود به این

